

رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی

نقش در تعامل با جنس*

فرزانه امانی**، دکتر محمدکریم خداپناهی***، محمود حیدری***

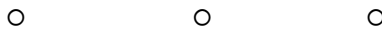
چکیده

به منظور بررسی رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی نئو (NEO) تعداد ۳۷۶ نفر (۱۸۵ نفر مرد و ۱۹۱ نفر زن) از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. «پرسشنامه سبک اسناد» (ASQ) و «سیاهه تجدید نظر شده پنج عاملی شخصیت نئو» (NEO-PR) به عنوان ابزار پژوهش توسط گروه نمونه بطور همزمان تکمیل گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسن و آزمون تفاوت ضرایب همبستگی برای مقایسه تفاوت رابطه بین عوامل شخصیتی و سبک اسناد در دختران و پسران و نیز آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین ابعاد سبک اسناد و عوامل شخصیتی در دو جنس استفاده گردید. نتایج بررسی نشان داد که بین سبک اسناد مثبت با عوامل «دلیذیری»، «برونگردی» و «باوجدانی»، رابطه مثبت و سبک اسناد منفی با عوامل ذکر شده رابطه منفی دارند. ضمن اینکه سبک اسناد مثبت با انعطاف پذیری رابطه مثبت نشان داد، لیکن سبک اسناد منفی رابطه معناداری با این عامل نداشت. افزون بر این رابطه بین سبک اسناد منفی و سبک اسناد مثبت با ثبات با عامل برونگردی در زنان و مردان متفاوت است، بدین معنی که رابطه سبک اسناد منفی درونی با عامل برونگردی در مردان قوی تر و رابطه سبک اسناد مثبت با ثبات با عامل برونگردی در زنان قوی تر است. همچنین رابطه سبک اسناد مثبت با ثبات با عامل «انعطاف پذیری» در مردان قوی تر از زنان است.

* دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۵/۲۷، پذیرش نهایی: ۱۳۸۵/۱/۲۰

** کارشناس ارشد روانشناسی *** دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

بنابراین تفاوت معنادار بین زنان و مردان در عوامل با وجدانی و دلپذیری مبین آنست که بطور کلی زنان نسبت به مردان از سبک اسناد خوش بینانه تری برخوردار بودند.
کلید واژه‌ها: سبک اسناد، عوامل شخصیتی نو، جنس.



● مقدمه

«سبک اسناد»^۱ و «الگوی پنج عاملی»^۲ از جمله زمینه‌های پژوهش هستند که در دهه‌های اخیر روان‌شناسان و پژوهشگران متعددی را به خود مشغول داشته‌اند. در سایه تلاش مستمر این محققان، روی آوردها و نظریه‌های گوناگونی در مورد هریک از مفاهیم مزبور شکل گرفته است. الگوی ۵ عاملی، یکی از مشهورترین الگوهای شخصیت در زمینه تحلیل عوامل در طی سالهای اخیر بوده است. پس از نظریات کتل^۳ و آیزنگ^۴، پژوهشگران معاصر شخصیت از هر دو نظریه ابراز نارضایتی کردند و معتقد بودند که نظریه آیزنگ بسیار ساده است و ابعاد بسیار کمی دارد در حالی که نظریه کتل پیچیده است و دارای عوامل زیادی است. تکرار این پژوهش‌ها، آنها را در نهایت به ۵ عامل رساند. این ۵ عامل با انواع شیوه‌های سنجشی از جمله خودسنجی‌ها، آزمون‌های عینی و گزارش‌های مشاهده‌گران تأیید شدند. در نهایت، مک کری^۵ و کوستا^۶ یک سیاهه شخصیت، به نام «سیاهه شخصیتی NEO» ساختند که سرواژه‌های بدست آمده از سه عامل اول تشکیل شده‌اند. این پرسشنامه ۵ عامل اساسی با نام «برون‌گرایی»^۷، «دلپذیری»^۸، «نوروزگرایی»^۹، «باوجدانی»^{۱۰} و «انعطاف‌پذیری»^{۱۱} را می‌سنجد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که الگوی ۵ عاملی با متغیرهایی چون عملکرد شغلی (سالگادو، ۱۹۹۷)، اختلالات روانی (ترول، ۱۹۹۲) و عملکرد گروهی (باریک و کیکوک، به نقل از پرویات، ۲۰۰۲) رابطه دارند. این الگو در سایر فرهنگها و زبانها از جمله فیلیپینی، فرانسوی و ایتالیایی نیز اجرا شد و به نتایج مشابهی رسیدند. علیرغم تحقیقاتی که روی این الگو انجام گرفته، انتقاداتی نیز توسط بعضی روان‌شناسان مانند بلاک^{۱۲} (۱۹۹۵) به نقل از پرویات، (۲۰۰۲) و آیزنگ (۱۹۹۲)، بر این نظریه وارد شده است. مثلاً بلاک (۱۹۹۵)، به نقل از پرویات، (۲۰۰۲) انتقاداتی نظیر بی‌ثباتی عوامل از یک نمونه به نمونه دیگر یا از یک موقعیت به موقعیت دیگر، عدم وجود زیربنای تجربی، عدم انسجام و یکپارچگی در ساختار شخصیت، سوگیری مجموعه مواد اولیه و محدودیتهای موجود در خود روش تحلیل عوامل را مطرح ساخته است. مک کری و کوستا (۱۹۹۶)، به نقل از پرویات، (۲۰۰۲) تلاش کردند که به این انتقادات با قراردادن الگوی ۵ عاملی در درون ساختار وسیع‌تری پاسخ دهند. بر این اساس میشل^{۱۳} و شودا^{۱۴} (۱۹۹۸)، بیان می‌کنند که

الگوی ۵ عاملی، «نظام‌های شناختی - عاطفی»^{۱۵} اساسی شخصیت را منعکس می‌کند. یعنی این نظریه یک نوع طبقه‌بندی مناسب از شخصیت می‌باشد که می‌تواند با انواع نظام‌های پردازش شناختی - عاطفی پیوند داشته باشد. «نظام‌های شناختی عاطفی» به عنوان نظامی تعریف می‌شوند که از واحدهای واسطه‌ای مانند انتظارات، اهداف و پردازش‌های شناختی تشکیل شده‌اند که هشیارانه یا ناهشیارانه با موقعیت تعامل دارند. آنها این نظام را شامل «رمزگشایی»^{۱۶}، «انتظارات»^{۱۷}، «باورها»^{۱۸}، «عواطف»^{۱۹}، «اهداف»^{۲۰} و ارزش‌ها»^{۲۱}، «برنامه‌های خودتنظیمی»^{۲۲} و سبک اسناد می‌دانند. سبک اسناد یا «سبک تبیینی»^{۲۳} نمونه بارز این نظام می‌باشد که می‌تواند با ابعاد شخصیتی بخصوص الگوی ۵ عاملی پیوند داشته باشد.

«سبک اسناد» یک متغیر شناختی است که نحوه تبیین رویدادها را نشان می‌دهد. منطبق با اساسی نظریه اسناد از این فرض نظری ناشی می‌شود که آدمی واجد این انگیزش است که از ماهیت محیط خود به ویژه از علل رویدادهای خاص آگاه شود. اگر به فهم این نکته نائل آید که علت رویدادهای معین در گذشته چه بوده است، آنگاه قادر خواهد بود تا با مداخله واقعی و یا انتخابهای خود آنچه در آینده برای او اتفاق خواهد افتاد را مهار سازد (سیرز^{۲۴} و همکاران، ۱۹۹۱ به نقل از یزدان بخش، ۱۳۷۴).

تحلیل تبیین‌های علی دارای سابقه طولانی در بسیاری از حوزه‌های روانشناسی است. هرچند صاحب‌نظرانی مانند شاختر^{۲۵} و زینگر^{۲۶} در حوزه «هیجان» و «راتر»^{۲۷} در حوزه «یادگیری اجتماعی» در زمینه اسناد کار کرده‌اند اما روانشناسان، مؤسس این نظریه را هایدر^{۲۸} می‌دانند. بعد از هایدر، راتر، جونز^{۲۹} و دیویس^{۳۰}، واینر^{۳۱} و شیور^{۳۲} به بسط نظریه وی پرداختند (پروین و جان، ۱۹۹۹). این تحقیق به آن نوع سبک اسنادی اشاره دارد که از فرمول‌بندی مجدد «درماندگی آموخته شده»^{۳۳} (آبرامسون و همکاران، ۱۹۷۸) بدست آمده است. در الگوی جدید درماندگی آموخته شده، نحوه تبیین رویدادهای غیرقابل مهار توسط فرد، مهمتر از رویدادهایی است که واقعاً اتفاق افتاده است. در این الگو انسان وقتی دچار درماندگی می‌شود، که با مسائل غیرقابل حلی برخورد کند و دریابد که پاسخدهی او بی‌نتیجه است، در این صورت از خود می‌پرسد که علت ناتوانی کنونی من چیست؟ پاسخ فرد به این سؤال در قالب اسنادهای علی ارائه می‌شود. این تبیین‌ها تحت تأثیر سه بعد مهم «منبع»، «تکرار» و «زمان» قرار دارد (آبرامسون، گاربر و سلیگمن، ۱۹۸۰ به نقل از کدیور ۱۳۸۱). بعد «درونی/بیرونی»، مطرح می‌کند که آیا اسنادها به عواملی در درون شخص مربوط است یا بیرون شخص. بعد «پایدار/ناپایدار» بیان می‌کند که آیا عاملی که موجب شکست یا

موفقیت شده است پایدار و دائمی است یا ناپایدار و بُعد «کلی / اختصاصی» بر این نکته اشاره دارد که آیا این اسناد گستره وسیعی از موقعیت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا فقط بر این موقعیت خاص تأثیر دارد (پترسون و دیگران، ۱۹۸۲، به نقل از پروپات، ۲۰۰۲).

بر اساس این نوع فرمول‌بندی، هنگامی که فرد شکست‌های خود را به عوامل درونی، پایدار و کلی اسناد دهد از سبک اسناد «بدینانه»^{۳۴} برخوردار خواهد بود، که منجر به افسردگی خواهد شد. از طرفی دیگر، اگر فرد موفقیت‌های خود را به عوامل درونی، باثبات و کلی اسناد دهد دارای سبک اسناد «خوش بینانه»^{۳۵} خواهد بود. این نوع سبک اسناد باعث پیشگیری از افسردگی می‌شود (شولتز و شولتز، ۱۳۸۱).

سبک اسناد نیز مانند الگوی ۵ عاملی بعضی متغیرهای ملاک از جمله «عملکرد فروش» (سلیگمن و کر، به نقل از پروپات، ۲۰۰۲) «عملکرد ورزشی» (تقی پور، ۱۳۷۸)، «رضایت شغلی» (فلیس و واسکل، ۱۹۹۴، به نقل از پروپات، ۲۰۰۲)، «افسردگی» (سلیگمن و پترسون، ۱۹۸۴)، «اضطراب»، «حرمت خود پایین» و «ناامیدی» (کرمی، ۱۳۷۵) را پیش‌بینی می‌کند. مثلاً سبک اسناد یکی از مهمترین عوامل شناختی خطرزا جهت افسردگی می‌باشد یا فردی با نمره نوروگرایبی بالا از اضطراب، افسردگی، حرمت خود پایین و تکانشوری بالاتری برخوردار خواهد بود، همچنین «عملکرد فروش» توسط ابعاد «برون‌گرایی»، «دلپذیری» و «باوجدانی» پیش‌بینی می‌شود. بنابراین با توجه به روابط مشترک این دو عامل، خود این دو متغیر نیز می‌توانند به صورت مستقیم با یکدیگر رابطه داشته باشند هرچند رابطه این دو عامل بسیار حساس و ظریف بوده و ترتیب تقدم و تأخر آنها برای شکل‌گیری شخصیت و پویایی و انسجام آن، متفاوت به نظر می‌رسد.

علیرغم تحقیقات زیادی که در مورد هر یک از متغیرها به طور جداگانه انجام شده، اما تحقیقات اندکی انجام گرفته که به بررسی رابطه سبک اسناد و چارچوب سازمان یافته الگوی ۵ عاملی بپردازد. مثلاً بروملی و همکاران (۱۹۹۷) به بررسی رابطه «پرسشنامه آکادمیکی سبک اسناد»^{۳۷} (AASQ) و «سیاهه شخصیتی NEO در نمونه‌ای از دانشجویان کالج پرداختند. آنها در نتایج خود تنها رابطه متوسطی بین «سبک اسناد منفی» و «باوجدانی» گزارش کردند و با دیگر ابعاد الگوی ۵ عاملی رابطه‌ای را ذکر نکردند.

اما نتایج مطالعه پروپات نشان داد که ابعاد سبک اسناد مثبت با عوامل «برون‌گرایی»، «دلپذیری» و «انعطاف‌پذیری» رابطه‌ای مثبت دارند و ابعاد سبک اسناد منفی با عوامل «باوجدانی» و «ثبات

هیجانی» رابطه‌ای منفی دارد و این روابط در «زنان» و «مردان» متفاوت است. بنابراین «جنس» متغیر تعدیل‌کننده مهمی است که باید در رابطه بین سبک اسناد و ابعاد شخصیتی مدنظر قرار گرفته شود.

مطالعات دیگری نیز در این زمینه انجام گرفته، اما سبک اسناد را با ابزارهای شخصیتی دیگری مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله کر و گری (۱۹۹۶)، در تحقیقی مربوط به اعتباریابی «پرسشنامه سبک اسناد»^{۳۸} (ASQ)، روابطش را با اضطراب و پرسشنامه شخصیتی آیزنک مورد بررسی قرار دادند. آنها از دو نمونه استفاده کردند، نمونه اول شامل فروشدگان و نمونه دوم شامل افرادی بودند که از هر جمعیتی به صورت داوطلبانه حضور یافته بودند. نتایج آنها نشان داد که ابعاد سبک اسناد مثبت رابطه‌ای منفی با «اضطراب»، «برون‌گرایی پایین»، «نوروزگرایی» و «روان پریشی بالا» در هر دو نمونه دارد اما سبک اسناد مثبت تنها در نمونه دوم رابطه مثبت معناداری با بعد «برون‌گرایی» داشت.

بونس و پترسن (۱۹۹۷)، به بررسی اختلافات دو جنس در رابطه سبک اسناد و ویژگیهای شخصیتی با استفاده از «سیاهه شخصیتی کالیفرنیا»^{۳۹} پرداختند. آنها علاوه بر گزارش وجود رابطه بین سبک اسناد به بعضی از ویژگی‌های شخصیتی به این نتیجه رسیدند که در رابطه این دو عامل باید اختلافات دو «جنس» را نیز در مدنظر قرار داد.

نتایج بررسی «میچل» (۱۹۸۹)، در زمینه رابطه بین سبک اسناد با «مقیاسهای شخصیتی کامری»^{۴۰} (CPS) نشان داد که بین سبک اسناد مثبت با «نظم و ترتیب»، «فعالیت»، «ثبات هیجانی» و «برون‌گرایی» رابطه‌ای مثبت و بین سبک اسناد منفی با ابعاد «برون‌گرایی» و «ثبات هیجانی» رابطه منفی وجود دارد.

با در نظر گرفتن سوابق پژوهشی موضوع مورد بررسی، هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی نتو در تعامل با «جنس» می‌باشد.

● روش

○ جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی با حجم ۱۱۶۳۱ نفر بودند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۴-۸۳ به تحصیل بودند.

برای انتخاب گروه نمونه با توجه به جدول کرجی و مورگان (۱۹۷۰)، حجم نمونه‌ای برابر با ۳۷۶ نفر از دانشکده‌های مختلف با توجه به دو جنس مذکر و مؤنث (۱۸۵ نفر مرد و ۱۹۱ نفر زن) به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

● ابزار

○ پرسشنامه سبک اسناد (ASQ)

این پرسشنامه، اسنادهای علی افراد را در ابعاد کانون علی، ثبات و کلی بودن در موقعیت‌های موفقیت و شکست مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه به دنبال الگوی تجدید نظر شده درماندگی آموخته شده، توسط سلینگمن همکاران در سال ۱۹۸۲ تهیه شده است و شامل ۱۲ موقعیت فرضی می‌باشد که ۶ موقعیت اسنادهای علی آزمودنی را در هنگام «موفقیت» و ۶ موقعیت دیگر اسنادهای علی او را در مواقع «شکست»، ارزیابی می‌کند. این موقعیت‌ها شامل موارد مهم زندگی فرد، از جمله شکست یا موفقیت در «اشتغال»، «تحصیل»، «ازدواج»، «روابط زناشویی»، «روابط با دیگران» و... می‌باشند. در این پرسشنامه ابتدا از آزمودنی خواسته می‌شود که تصور کند که هر یک از موقعیت‌ها برای وی واقعاً رخ داده، سپس عمده‌ترین علت آن را بنویسد و بعد علت را در سه بعد «درونی بودن»، «کلی بودن» و «پایداری» در طول یک مقیاس هفت درجه‌ای طبقه بندی نماید، فزونی درجه بندی به «اسناد درونی»، «کلی» و «پایدار» و کاهش درجه بندی به بعد «بیرونی»، «اختصاصی» و «ناپایدار» گرایش دارد. مطابق نظر کارور^{۴۱} (۱۹۸۹)، به نقل از پروپات، (۲۰۰۲)، تمام زیر مقیاسهای این پرسشنامه و نمرات کتبی گزارش می‌شود. از آنجا که طبق نظر کر و گری (۱۹۹۶)، در «پرسشنامه سبک اسناد»، ابعاد «کلی/ با ثبات» در هر دو موقعیت بر روی عوامل مشابهی همپوشی دارند و متفاوت از بعد «درونی/ بیرونی» می‌باشند. بنابراین ترکیب ابعاد «با ثبات/ کلی» جهت هر دو موقعیت با عنوان «امیدواری و ناامیدی» نیز بررسی می‌شوند.

ضریب «اعتبار»^{۴۲} این پرسشنامه با استفاده از آزمون مجدد برای رویدادهای منفی و مثبت در ابعاد درونی، کلی و با ثبات، در یک دوره ۵ هفته‌ای بین ۰/۵۷ تا ۰/۷۵ گزارش شد (سلینگمن و دیگران، ۱۹۷۹). در تحقیقی که سلینگمن و پترسن (۱۹۸۴) برای ارزیابی «روائی»^{۴۳} این پرسشنامه انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شدت علائم اختلال افسردگی با استفاده خودگیرانه از تبیین وقایع ناخوشایند با ابعاد علی، پایدار و کلی همبستگی دارد. جهت بررسی «اعتبار» این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۶ بدست آمد.

○ سیاهه ۵ عاملی نئو (NEO)

این سیاهه یک سیاهه ۶۰ سؤالی است که برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. اگر وقت اجرای آزمون خیلی محدود بوده و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد این

سیاهه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سیاهه دارای مقیاس ۵ درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» می‌باشد. این سیاهه توسط کوستا و مک کری در سال ۱۹۸۸ تهیه شده است و مناسب افرادی است که ۱۷ سال یا بیشتر دارند. این سیاهه شکل دیگری به نام NEOPI-R نیز دارد که ۵ عامل اصلی شخصیت و شش خصوصیت در هر عامل را نیز اندازه می‌گیرد.

گروسی فرشی (۱۳۸۰)، با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ آن را جهت عوامل اصلی، «نوروزگرایی»، «برون‌گرایی»، «انعطاف‌پذیری»، «دلپذیری» و «باوجدانی» به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ بدست آورد. جهت روائی این آزمون از همبستگی بین دو شکل گزارش شخصی (S) و شکل ارزیابی مشاهده گر، (R) استفاده کرد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل دلپذیری بود. در این پژوهش، با استفاده از روش همسانی درونی نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد دلپذیری، باوجدانی، برون‌گرایی، و انعطاف‌پذیری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۶۶، ۰/۸۴ و ۰/۵۴ بدست آمد.

○ طرح تحقیق حاضر یک طرح همبستگی است. برای تحلیل داده‌های بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسن و آزمون تفاوت ضرایب همبستگی برای مقایسه تفاوت رابطه بین عوامل شخصیتی و سبک اسناد دختران و پسران و نیز آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین ابعاد سبک اسناد و عوامل شخصیتی در دو جنس استفاده گردید.

● نتایج

به منظور تعیین رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی نئو، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جدول ۱ نتایج آزمون همبستگی را در هر یک از ابعاد نشان می‌دهد.

○ نتایج جدول ۱ مبین آن است که بین تمام ابعاد «سبک اسناد مثبت» با بعد «برون‌گرایی» ($p=0/003$ و $p<0/01$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین تمام ابعاد سبک اسناد مثبت به جز اسناد مثبت درونی و اسناد مثبت با ثبات یا بعد دلپذیری ($p=0/009$ و $p=0/02$ و $p=0/03$) و رابطه مثبت و معنادار است. بین تمام ابعاد «سبک اسناد منفی» به جز اسناد منفی با ثبات با «بعد نوروزگرایی» ($p<0/01$) رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین تمام نمرات ابعاد سبک اسناد منفی و بعد «باوجدانی» ($p<0/01$) رابطه منفی و معنادار است. بین تمام ابعاد سبک اسناد مثبت به جز اسناد مثبت درونی با «انعطاف‌پذیری» ($p<0/01$ ، $p=0/02$ ، $p<0/01$) رابطه مثبت و معنادار است.

جدول ۱- نتایج همبستگی بین ابعاد سبک اسناد با عوامل شخصیتی

سبک اسناد کلی	اسناد مثبت ترکیبی	امیدواری	اسناد مثبت عمومی	اسناد مثبت با ثبات	اسناد مثبت درونی	اسناد منفی ترکیبی	نا امید	اسناد منفی عمومی	اسناد منفی با ثبات	اسناد منفی درونی	ابعاد سبک اسناد	
											شاخص	عوامل شخصیتی
۰/۳۰	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۲۳	۰/۱۰	-۰/۲۱	-۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۱۰	-۰/۱۸	Γ	برون‌گرایی
**	**	*	**	**	**	**	**	**	**	**		
۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۲۰	-۰/۱۷	-۰/۰۹	Γ	دلپذیری
*	*	*	**	**	**	**	**	**	**	**		
-۰/۳۱	-۰/۲۳	-۰/۲۵	-۰/۱۸	-۰/۲۷	۰/۱۴	۰/۲۳	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۱۰	۰/۱۸	Γ	نوروزگرایی
**	**	**	*	**	**	**	**	**	**	**		
۰/۳۷	۰/۱۸	۰/۲۷	-۰/۲۲	۰/۲۶	-۰/۲۳	-۰/۲۶	-۰/۲۴	-۰/۲۰	-۰/۲۴	-۰/۱۹	Γ	باوجدانی
**	**	**	**	**	**	**	**	**	**	**		
۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۳۶	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۱۰	-۰/۲۷	Γ	انعطاف پذیری
*	*	*	*	**	**	**	**	**	*	**		

* p < ۰/۰۵ ** p < ۰/۰۱

○ جهت بررسی تفاوت ضرایب همبستگی در رابطه بین سبک اسناد با عوامل شخصیتی در دو «جنس» ابتدا همبستگی بین شخصیتی با سبک اسناد در هر یک از دو گروه به طور جداگانه بررسی گردید. آنگاه همبستگی‌های بدست آمده در دو جنس با استفاده از آزمون تفاوت ضرایب همبستگی مقایسه گردید.

مطابق با یافته‌های ارائه شده در جدول ۲ در رابطه بین برون‌گرایی با ابعاد اسناد منفی درونی، اسناد منفی عمومی، اسناد منفی ترکیبی، اسناد منفی با ثبات و ناامیدی، Zهای بدست آمده معنادار است و مقدار این همبستگی در «زنان» بالاتر است. همچنین در رابطه بین اسناد منفی با ثبات با انعطاف‌پذیری و اسناد منفی عمومی با باوجدانی نیز، Zهای بدست آمده معنادار است. ($Z > 1/96, \alpha = 0/05$) می‌باشد و به ترتیب میزان این همبستگی در مردان و زنان بالاتر است.

○ برای مقایسه نمرات زنان و مردان از لحاظ ابعاد سبک اسناد از آزمون t استفاده شد. با توجه به داده‌های جدول ۳ نتایج زیر حاصل می‌شود: مقدار t در ابعاد اسناد منفی با ثبات، اسناد منفی عمومی و ناامیدی به ترتیب برابر است با $t = 2/16$ و $t = 2/26$ و $t = 2/45$ که ($p = 0/03$) معنادار می‌باشد. به طوری که میانگین نمرات مردان در این

جدول ۲- نتایج آزمون تفاوت ضرایب همبستگی در رابطه بین اسناد با عوامل شخصیتی در زنان و مردان

عوامل شخصیتی		نوروزگرایی		پرونگرایی		انعطاف پذیری		دلبذیری		باوجدانی		شخص	ابعاد سبک اسناد
Z	r	Z	r	Z	r	Z	r	Z	r	Z	r		
۰/۹۵	-/۱۴۳	۰/۳۸	-/۱۰۸	-/۵۰	۰/۰۱۹	۱/۹۷	۰/۰۶	۱/۵۸	۰/۰۸	مرد	اسناد منفی درونی		
	-/۲۳۴		-/۰۷		۰/۰۶	*	-/۲۵۲		-/۲۲۴	زن			
۰/۰۶۳	-/۲۲۴	۱/۶۰	-/۲۵۰	۲/۱۷	-/۲۲۵	۰/۹۵	-/۱۳۱	۱/۰۱	-/۱۵۰	مرد	اسناد منفی با ثبات		
	-/۲۳۱		-/۰۹۱	*	-/۰۱		-/۲۲۴		-/۰۴	زن			
۲/۳۱	-/۰۸۴	۰/۳۵	-/۱۷۰	۱/۲۴	-/۱۳۹	۳/۷۳	۰/۰۲	۱/۰۲	-/۲۰۶	مرد	اسناد منفی عمومی		
	-/۳۰۷		-/۲۰۵		۰/۰۱۴	*	-/۳۷۵		-/۳۰۳	زن			
۱/۴۸	-/۱۶۳	۰/۶۰	-/۲۲۸	۱/۱۸	-/۱۳۹	۳/۰۴	۰/۰۵	-/۰۰۶	-/۲۰۵	مرد	ثابتهایی		
	-/۳۰۲		-/۱۷۰		۰/۰۱۳	*	-/۳۴۰		-/۲۰۶	زن			
۱/۶۲	-/۱۸۴	۰/۶۶	-/۲۲۴	۱/۵۰	-/۱۶۶	۲/۹۴	۰/۰۶	۰/۵۲	-/۱۹۴	مرد	اسناد منفی ترکیبی		
	-/۳۴۴		-/۱۶۱		۰/۰۱۲	*	-/۳۴۰		-/۲۴۴	زن			
۰/۱۷	-/۳۰۹	۰/۹۸	-/۱۹۵	۰/۶۶	۰/۰۱۷	۰/۱۵	-/۲۹۱	۰/۵۸	-/۲۱۳	مرد	اسناد مثبت درونی		
	-/۳۲۳		-/۱۰۰		۰/۰۸۳		-/۲۷۶		-/۲۶۹	زن			
۰/۸۵	-/۲۲۰	۰/۰۲	-/۰۸۲	-/۸۹	۰/۰۸۷	۲/۳۶	-/۱۴۴	۱/۷۰	-/۱۹۱	مرد	اسناد مثبت پائیات		
	-/۳۰۵		-/۰۸۵		۰/۱۷۵	*	-/۳۶۵		-/۳۴۸	زن			
۰/۸۸	-/۲۷۳	۱/۰۰۲	-/۱۹۴	-/۵۲	-/۱۱۳	۰/۲۷	-/۲۳۹	۰/۰۶	-/۱۷۹	مرد	اسناد مثبت عمومی		
	-/۱۸۸		۰/۰۹۶		-/۰۶		-/۲۸۲		-/۱۸۳	زن			
۰/۰۷	-/۲۷۲	۰/۵۸	-/۱۵۴	-/۱۸	۰/۱۱۰	۱/۲۵	-/۲۱۲	۱/۰۳	-/۲۰۳	مرد	امیدواری		
	-/۲۶۷		۰/۰۹۶		۰/۱۲۹		-/۳۵۲		-/۲۸۶	زن			
۰/۰۶	-/۳۰۵	۰/۷۹	-/۱۸۱	-/۴۲	۰/۰۸	۰/۹۹	-/۲۵۸	۰/۸۱	-/۲۲۱	مرد	اسناد مثبت ترکیبی		
	-/۳۱۱		-/۱۰۳		-/۱۲۲		-/۳۴۹		-/۲۲۹	زن			
۰/۸۱	-/۳۴۴	۱/۲۰	-/۲۸۴	-/۲۸	-/۰۵۸	۱/۴۰	-/۲۳۱	۰/۶۹	-/۲۹۲	مرد	سبک اسناد کلی		
	-/۴۱۴		-/۱۷۳		-/۰۸۷		-/۳۵۹		-/۳۵۴	زن			

ابعاد بالاتر می باشد همچنین مقدار t در ابعاد اسناد مثبت درونی، اسناد مثبت ترکیبی و سبک اسناد کلی به ترتیب برابر است با $t = ۲/۷۷$ و $t = ۲/۰۰۴$ و $t = ۲/۵۳$ که $(p = ۰/۰۰۶)$ و $p = ۰/۰۴$ و $p = ۰/۰۱$ معنادار است به طوری که میانگین نمرات زنان در این ابعاد بالاتر از مردان می باشد. بنابراین تفاوت زنان و مردان از لحاظ سبک اسناد تأیید می شود.

جدول ۳- خلاصه اطلاعات آزمون t در مورد مقایسه نمره‌های سبک اسناد در دو جنس

سطح معناداری	درجه آزادی	t	مرد			زن			جنس	
			تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	شاخص	سبک اسناد
۰/۵۱	۳۷۱	-۰/۵۶	۱۸۳	۰/۸۹	۳/۸۲	۱۹۰	۰/۸۷	۳/۸۷	اسناد منفی درونی	
۰/۰۳	۳۷۱	۲/۱۶	۱۸۳	۰/۹۹	۳/۸۸	۱۹۰	۰/۹۶	۳/۶۶	اسناد منفی پائیات	
۰/۰۲	۳۷۱	۲/۲۶	۱۸۳	۱/۱۹	۳/۹۴	۱۹۰	۱/۱۶	۳/۶۷	اسناد منفی عمومی	
۰/۰۱	۳۷۱	۲/۴۵	۱۸۳	۱/۹۸	۷/۸۳	۱۹۰	۱/۹۳	۷/۳۳	نامیدی	
۰/۰۷	۳۷۱	۱/۷۶	۱۸۳	۲/۴۴	۱۱/۶۵	۱۹۰	۲/۴۳	۱۱/۲۰	اسناد منفی ترکیبی	
۰/۰۰۶	۳۷۱	-۲/۷۷	۱۸۳	۰/۹۷	۵/۲۴	۱۹۰	۰/۷۸	۵/۵۰	اسناد مثبت درونی	
۰/۱۴	۳۷۱	-۱/۴۸	۱۸۳	۰/۸۹	۵/۲۸	۱۹۰	۰/۸۶	۵/۴۲	اسناد مثبت پائیات	
۰/۲۸	۳۷۱	-۱/۰۷	۱۸۳	۰/۹۶	۵/۳۴	۱۹۰	۰/۹۲	۵/۴۴	اسناد مثبت عمومی	
۰/۱۶	۳۷۱	-۱/۳۸	۱۸۳	۱/۶۹	۱۰/۶۳	۱۹۰	۱/۶۴	۱۰/۸۷	امیدواری	
۰/۰۴	۳۷۱	-۲/۰۰۴	۱۸۳	۲/۴۹	۱۵/۸۸	۱۹۰	۲/۲۶	۱۶/۳۷	اسناد مثبت ترکیبی	
۰/۰۱	۳۷۱	-۲/۵۳	۱۸۳	۳/۵۱	۴/۲۲	۱۹۰	۳/۵۷	۵/۱۵	سبک اسناد کلی	

○ نتایج مقایسه زنان و مردان از لحاظ عوامل شخصیتی (جدول ۴) مبین آن است که مقدار t در ابعاد «دلپذیری» و «باوجدانی» برابر است با $t=۲/۷۴$ و $t=۲/۷۰$ که $p=۰/۰۰۷$ $q=۰/۰۰۶$ معنادار می‌باشد. به طوری که میانگین نمرات زنان بالاتر از مردان است.

جدول ۴- مقایسه زنان و مردان از لحاظ عوامل شخصیتی

سطح معناداری	درجه آزادی	t	مرد			زن			جنس	
			تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها	عوامل شخصیتی
۰/۲۸	۳۷۲	۱/۱۲	۱۸۴	۷/۶۱	۲۳/۰۶	۱۹۰	۸/۹۳	۲۲/۰۹	نوروزگرایی	
۰/۴۴	۳۷۲	-۱/۱۸	۱۸۴	۵/۷۵	۲۷/۸۵	۱۹۰	۶/۷۶	۲۸/۶۳	برون‌گرایی	
۰/۱۲	۳۷۱	-۱/۵۲	۱۸۴	۵/۰۵	۲۷/۱۰	۱۸۹	۵/۲۷	۲۷/۹۲	انعطاف‌پذیری	
۰/۰۰۶	۳۷۲	-۲/۷۴	۱۸۴	۵/۲۱	۲۸/۴۵	۱۹۰	۵/۴۶	۲۹/۹۷	دلپذیری	
۰/۰۰۷	۳۷۲	-۲/۷۰	۱۸۴	۶/۲۵	۳۱/۸۴	۱۹۰	۶/۳۶	۲۳/۶۰	باوجدانی	

● بحث و نتیجه‌گیری

○ هدف پژوهش حاضر «تعیین رابطه سبک اسناد با عوامل شخصیتی در تعامل جنس» بود. نتایج این پژوهش نشان داد که «سبک اسناد مثبت» با عوامل برون‌گرایی، دلپذیری و انعطاف‌پذیری رابطه‌ای مثبت دارد و «سبک اسناد منفی» با عامل نوروزگرایی رابطه‌ای مثبت و با عامل باوجدانی

رابطه‌ای منفی دارد. این نتایج همسو با تحقیقات انجام گرفته توسط پروپات (۲۰۰۲)، بونس و پترسن (۱۹۹۷)، میچل (۱۹۸۹)، کر و گری (۱۹۹۶)، کرمی (۱۳۷۵)، میلیگان (۲۰۰۳)، بروملی و همکاران (۱۹۹۷) و نزو و همکاران (۱۹۸۶)، می‌باشد. همانگونه که میشل و شودا (۱۹۹۸)، مطرح کردند، الگوی پنج عاملی نظامهای شناختی عاطفی که اساس شخصیت را منعکس می‌کند، می‌تواند با انواع نظامهای پردازش شناختی عاطفی پیوند داشته باشد، بنابراین سبک اسناد به عنوان یک متغیر شناختی که نحوه تبیین رویدادها را نشان می‌دهد، با عوامل شخصیتی رابطه دارد. بدین ترتیب هرچه فرد از سبک اسناد خوش بینانه‌تری برخوردار باشد، از جرئت‌ورزی، فعالیت، مردم‌آمیزی، هیجانانگیز و دلپذیری بیشتری برخوردار است و برعکس هر قدر فرد از سبک اسناد بدبینانه‌تری برخوردار باشد، از اضطراب، افسردگی، ناامیدی و تکانشوری بیشتری رنج می‌برد و به‌طور کلی بیشتر مستعد نوروژنری خواهد بود.

○ همچنین نتایج حاصله مبین آنست که تمام ابعاد سبک اسناد مثبت به جز «اسناد مثبت درونی» با انعطاف‌پذیری رابطه مثبت دارند. همانطور که کر و گری (۱۹۹۶)، عنوان کردند علت این امر می‌تواند به مستقل بودن بعد درونی از ابعاد کلی باثبات در «پرسشنامه سبک اسناد» (ASQ) باشد. همسو با این یافته‌ها، پروپات (۲۰۰۲)، نیز دریافت که رابطه بین سبک اسناد مثبت و انعطاف‌پذیری در دو «جنس» متفاوت می‌باشد به طوری که در مردان، این رابطه مثبت و در زنان این رابطه منفی بود. بنابراین هر قدر فرد موفقیت‌های خود را به عوامل «اثبات» و «موقعیتهای کلی» اسناد دهد از «انعطاف‌پذیری» بیشتری برخوردار است. در این پژوهش سبک اسناد مثبت همانند سبک اسناد منفی با عوامل شخصیتی رابطه قوی داشت، در صورتیکه تحقیقات قبلی (کر و گری، ۱۹۹۶)، به این نتیجه رسیده بودند که «سبک اسناد منفی» رابطه قوی‌تری با «صفات شخصیتی» دارد. با توجه به اینکه نمونه و ابزار سنجش استفاده شده در تحقیق کر و گری متفاوت از این پژوهش می‌باشد، لذا نتیجه‌گیری از این مطلب نیاز به بررسی بیشتر دارد.

○ افزون بر این نتایج تحقیق نشان داد که «رابطه سبک اسناد منفی» و «اسناد مثبت» با ثبات با برون‌گرایی، اسناد منفی عمومی با وجدانی و اسناد منفی باثبات با انعطاف‌پذیری تفاوت معناداری بین زنان و مردان مشاهده گردید. تحقیقات پیشین نیز وجود تفاوت رابطه این دو عامل را در زنان و مردان نشان داده‌اند. چنانکه بونس و پترسن (۱۹۹۷)، و پروپات (۲۰۰۲)، مطرح کردند «جنس» متغیر مهمی است که در ارتباط بین سبک اسناد و عوامل شخصیتی باید مدنظر قرار گیرد. آنان در تحقیق خویش به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی بین سبک اسناد منفی با احساس سلامتی و برداشت خوب فقط در «زنان» وجود دارد. با توجه به اینکه برداشت خوب و اجتماعی

شدن با عامل باوجدانی الگوی پنج عاملی همپوشی قوی دارند، بنابراین قوی تر بودن همبستگی بین سبک اسناد و باوجدانی در این تحقیق نیز مورد تأیید می‌باشد. با اینکه در تحقیق پروپات (۲۰۰۲)، رابطه سبک اسناد مثبت با برون‌گرایی و دلبذیری و رابطه سبک اسناد منفی با باوجدانی در گروه مردان مشاهده شد ولی در گروه زنان تنها سبک اسناد منفی باثبات هیجانی رابطه‌ای منفی داشت.

○ همچنین دیگر نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین زنان و مردان در ابعاد «اسناد منفی عمومی»، «اسناد منفی باثبات»، «ناامیدی»، «اسناد مثبت درونی»، «اسناد مثبت ترکیبی» و «سبک اسناد کلی» تفاوت معناداری وجود داشت، به طوری که زنان از سبک اسناد خوش بینانه تر و مردان از ناامیدی بیشتری برخوردار بودند. نتایج پژوهشهای پیشین در این مورد متناقض به نظر می‌رسند، چنانکه بونس و پترسن (۱۹۹۷) و پروپات (۲۰۰۲)، نشان دادند که بین زنان و مردان از لحاظ میانگین سبک اسناد تفاوتی وجود ندارد اما داکس (۱۹۸۴) به نقل از تقی پور (۱۳۷۸)، گزارش داد که مردان ادراکات بالاتری در مورد کفایت و در زمینه‌های پیشرفت انتظارات مثبت تری دارند، لذا گرایش به اسناد موفقیت به عوامل باثبات و درونی بیشتر از زنان دارند، چرا که زنان انتظارات پائین تری در مورد موفقیت دارند و موفقیت را به شانس یا سایر علل بی‌ثبات و بیرونی، و شکست را به عوامل درونی و باثبات از قبیل کمبود توانایی نسبت می‌دهند. چندین تبیین احتمالی در این مورد وجود دارد یکی آنکه طبق نظر داکس (۱۹۸۴) به نقل از تقی پور، (۱۳۷۸)، تفاوت زن و مرد در نوع سبک اسناد به موقعیت، ماهیت تکلیف و دسترسی به بازخورد عملکردی روشن و بدون ابهام بستگی دارد. علت احتمالی دیگر می‌تواند به شرایط فرهنگی و اقتصادی جامعه بستگی داشته باشد، چرا که جامعه ما از مردان مسئولیت‌پذیری بیشتری انتظار دارد ولی مردان به دلیل مشکلات بیکاری، عدم امنیت شغلی و اقتصادی نمی‌توانند به این انتظارات پاسخ مثبت دهند و در نتیجه دچار احساس ناامیدی می‌شوند. با توجه به اینکه نمونه مورد بررسی را دانشجویان تشکیل می‌دادند و این گروه نیز در دوره تحصیلی با مشکلات خاص این دوره سنی از قبیل نداشتن شغل، مشکلات ازدواج و اقتصادی روبرو هستند، بنابراین تصمیم این نتایج نیازمند بررسی در نمونه‌های دیگری غیر از دانشجویان می‌باشد.

○ و بالأخره نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که بین زنان و مردان از لحاظ دو عامل شخصیتی یعنی «باوجدانی» و «دلبذیری» تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نمرات زنان در این عوامل بالاتر از مردان است. بالا بودن نمرات زنان در عامل دلبذیری همسو با تحقیقات پیشین مانند مک‌کری (۲۰۰۱) به از نقل مک‌کری (۲۰۰۲)، می‌باشد. وی مطرح می‌کند که زنان

نسبت به مردان در صفات «اضطراب»، «آسیب پذیری»، «رک گویی» و «انعطاف پذیری» نمرات بالاتری کسب می کند در حالیکه مردان در صفات «رقابت جویی»، «جرئت ورزی»، «تهیج طلبی» و «انعطاف پذیری نسبت به عقاید» امتیاز بیشتری بدست می آورند. با توجه به اینکه رک گویی جزء مؤلفه های دلپذیری محسوب می شود، بنابراین پژوهشهای قبلی این نتیجه را که زنان از لحاظ عامل دلپذیری نمرات بالاتری را نسبت به مردان می گیرند، مورد تأیید قرار می دهد. چنانچه ایگلی (۱۹۹۵ به نقل از قربانی ۱۳۸۳)، مطرح می کند زنان در زندگی خانوادگی گرایش بیشتری به رفتارهای احساسی و نوع دوستانه داشته و در مجموع به رفاه و سعادت دیگران علاقه مند هستند در حالیکه مردان در عرصه عملکرد اجتماعی بیشتر سلطه گر و مهارگر به نظر می رسند. اما این یافته که بین زنان و مردان در عامل با وجدانی تفاوت وجود دارد ولی در بقیه عوامل تفاوتی وجود ندارد، همسو با پژوهشهای پیشین نیست. با توجه به اینکه نمونه این تحقیق جامعه دانشجویی است احتمال دارد که یکسانی بیشتری در میان آنها برقرار باشد و زنان این جامعه از لحاظ توانایی ذهنی، هدفمندی و طبقه اجتماعی در سطح بالاتری نسبت به دیگر افراد هم جنس خویش قرار داشته باشند و در نتیجه از اضطراب، آسیب پذیری و نوروگزایی کمتر و از هدفمندی و اراده قوی تری برخوردار باشند.

○ به طور کلی نتایج پژوهش حاضر، نشان دهنده وجود رابطه بین «سبک اسناد» و «عوامل شخصیتی» و تفاوت معنادار بین «زن» و «مرد» از لحاظ سبک اسناد و عوامل شخصیتی می باشد. وجود رابطه بین این دو مؤلفه نشان می دهد که عوامل شخصیتی دارای ساختار وسیعی حتی در حیطه شناختی می باشند. بنابراین لازم است مشاوران و متخصصین هنگام سنجش عوامل شخصیتی فرد، به نوع سبک اسناد فرد نیز توجه نمایند و هنگام درمان «افسردگی» و «اضطراب» در جهت تغییر سبک اسناد فرد نیز برآیند. همچنین پیشنهاد می شود که این تحقیق با سایر ابزارهای سنجش شخصیت نظیر «پرسشنامه شخصیتی آیزنک» و «سیاهه شخصیتی کالیفرنیا» مورد بررسی قرار گیرند تا نتایج از قابلیت تعمیم پذیری بیشتری برخوردار شوند.

○ ○ ○

یادداشت ها

- | | |
|------------------------|----------------------|
| 1- Attributional style | 2- Five factor model |
| 3- Cattell, R. B. | 4- Eysenck H. J. |
| 5- McCrae, R. R. | 6- Costa |

- | | |
|---|-------------------------------------|
| 7- Extraversion | 8- Agreeableness |
| 9- Neuroticism | 10- Openness |
| 11- Conscientiousness | 12- Block |
| 13- Mischel, W. | 14- Shoda, Y. |
| 15- Cognitive-affective systems | 16- Encoding |
| 17- Expectancies | 18- Beliefs |
| 19- Affects | 20- Goals |
| 21- Values | 22- Self-regulatory planes |
| 23- Explanatory style | 24- Sears |
| 25- Schachter, S. | 26- Singer, J. E. |
| 27- Rotter, J. B. | 28- Heider, F. |
| 29- Jones | 30- Davis |
| 31- Weiner | 32- Shaver |
| 33- Learned helplessness | 34- Pessimistic |
| 35- Optimistic | 36- Philips |
| 37- Academic Attributional Style Questionnaire (AASQ) | |
| 38- Attributional Style Questionnaire (ASQ) | |
| 39- California Psychological Inventory (CPI) | 40- Comrey Personality Scales (CPS) |
| 41- Carver | 42- Reliability |
| 43- Validity | |

منابع

- تقی پور، ابوالفضل. (۱۳۷۸). بررسی تأثیر بازآموزی اسنادی بر سبک اسنادی، عزت نفس، عملکرد و استقامت در آن پس از شکست در یک آزمون مهارتی فوتبال. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شولتز، دوان. و شولتز، سیدنی. آلن. (۱۳۸۱). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ چهارم، تهران: نشر ویرایش.
- قربانی، جعفر. (۱۳۸۳). رابطه جهت‌گیری دینی با صفات عمده شخصیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین سبک اسناد علی با پیامدهای روانی عزت نفس، ناامیدی، افسردگی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

- کدیور، پروین (۱۳۸۱). روانشناسی تربیتی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت. تبریز: جامعه پژوه، دانیال.
- یزدان بخش، کامران. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه سبک های اسنادی افراد افسرده، مضطرب و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

- Abramson, L. Y.; Seligman, M. E. P.; & Teasdale, J. D. (1978). Learned helplessness in humans: Critique and reformulation. *Journal of Abnormal Psychology*, 81, 49-74.
- Bromley, S. P.; Dalley, M. B.; & Musgrave-Marquart, D. (1997). Personality, academic attribution, and substance use as predictors of academic achievement in college students. *Journal of Social Behavior and Personality*, 12, 501-511.
- Bunce, S. C.; & Peterson, C. (1997). Gender differences in personality correlates of explanatory style. *Journal of Personality and Individual Differences*, 23, 639-46.
- Corr, P. J.; & Gray, J. A. (1996). Structure and validity of the Attributional Style Questionnaire: A cross-sample comparison. *Journal of Psychology*, 130(6), 645-57.
- Eysenck, H. J. (1992). Four ways five factors are not basic. *Journal of Personality and Individual Differences*. 13(6), 667-73.
- Kerejic, R. V.; & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Education and Psychological Measurement*, 30, 607-10.
- McCrae, R. R. (2002). *Cross-cultural research on the five-factor model of personality*. <http://www.google.com>.
- Melligan, M. (2003). *Relationships among optimism, coping, health behavior and personality*. Thesis of PH. D, Auburn University. From: <http://www.umi-proquest-dissertations.com>.
- Mischel, W.; & Shoda, Y. (1998). Reconciling processing dynamics disposition. *Annual Review of Psychology*, 46, 229-58.
- Mitchell, J. V. (1989). Personality correlates of attributional style. *Journal of Psychology*, 123, 447-63.
- Nezu, A. M.; Nezu, C. M.; & Nezu, V. A. (1986). Depression, general distress and causal attributions among university students. *Journal of Abnormal Psychology*, 95, 184-186.
- Pervin, L. A.; & John, O. P. (1999). *Handbook of personality*. New York / London: The Guilford

Press.

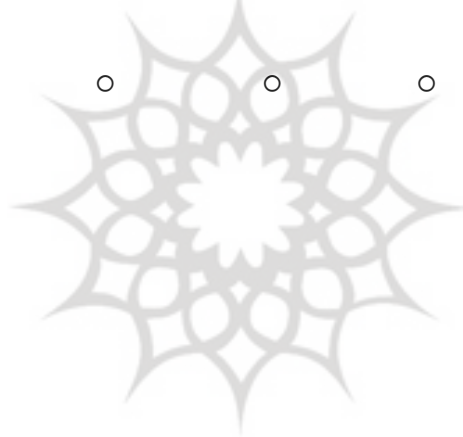
Poropat, A. (2002). The relationship between attributional style, gender and the five factor model of personality. *Journal of Personality and Individual Differences*, 33, 1185-1201.

Salgado, J. F. (1997). The five factor model of personality and job performance in the European community, *Journal of Applied Psychology*, 82 (), 30-43.

Seligman, M. E. P.; Abramson, L. Y.; Sommel, M.; & Baeyer, C. V. (1979). Depressive attributional style. *Journal of Abnormal Psychology*, 88, 242-247.

Seligman, M. E. P.; & Peterson, C. (1984). Causal explanations as a risk factor for depression: Theory and evidence. *Psychological Review*, 91, 347-74.

Trull, T. J. (1992). DSM-III-R personality disorders and the five factor model of personality: An empirical comparison. *Journal of Abnormal Psychology*, 82, 30-43.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی